



سولماز نورآبادی

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی

اشاره

یکی از عناصر اصلی آموزش، برنامه‌های درسی است. مدارس و مؤسسات آموزشی با کسب آگاهی‌های روزآمد از محیط و تحولات آن، برنامه‌های درسی را با پیشرفت‌های روز هماهنگ می‌کنند. امروزه سعی بر این است تا رابطه تنگاتنگی میان برنامه درسی و محیط وسیع اجتماعی برقرار و تحولاتی در اجزا یا عناصر عمده برنامه‌ها ایجاد شود. یکی از راهکارهای رسیدن به این هدف، استفاده از برنامه درسی تلفیقی در نظام آموزشی است. در این مقاله، چگونگی تهیه و تنظیم برنامه‌های درسی تلفیقی مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

برنامه درسی، تلفیق، برنامه درسی تلفیقی، نظام آموزشی، تغییر.

«تلفیق»؛

چیستی برنامه درسی تلفیقی

در متون و ادبیات نظری رشته مطالعات برنامه درسی، «تلفیق» عبارت است از یکپارچه کردن برنامه درسی، به معنای یکپارچه کردن یادگیری‌های دانش‌آموزان. هدف اساسی تلفیق آن است که تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان تا حد امکان از تفرق و پراکندگی خارج شوند و در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند [مهرمحمدی، ۱۳۸۳]. هم‌چنین، از تعاریف متعدد

ارائه شده در این زمینه می‌توان به تعریف جامع و مانعی اشاره کرد که طبق آن، «برنامه درسی تلفیقی» عبارت است از مجموعه تجربه‌های یادگیری برنامه‌ریزی شده که نه تنها با نگاهی کل‌نگر، مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش مشترک را به صورت الگو، نظام و ساختار در اختیار یادگیرنده قرار می‌دهد، بلکه توانایی یادگیرنده را برای دریافت و یا کشف ارتباط‌های نو افزایش و از آن طریق، وی را به سوی

مدیریت دانش و مدیریت زمان نیاز دارند؛ چرا که این موارد، از ضروریات عصر حاضر محسوب می‌شوند. نظریه‌رویکرد تلفیقی در برنامه‌ریزی درسی، از جهت‌گیری‌های مترقی و در عین حال پیچیده در طراحی و تدوین برنامه درسی به شمار می‌رود که در دهه‌های اخیر، بیش از پیش به مباحث مربوط به آن توجه شده و به همین سبب در این زمینه، برای هدایت کارگزاران برنامه درسی، منابع متعددی، تولید و

عرضه شده است. عصاره سخن حامیان مقوله تلفیق در برنامه درسی این است که تربیت شهروندان فعال، پاسخگو و مولد، مستلزم آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی مورد نیاز در جامعه‌ای پویا و دموکراتیک است؛ بنابراین نباید برای ساختارهای سازمان‌یافته علمی و نیز دانش انباشته بشری در فرایند تعلیم و تربیت، ارزش ذاتی و ماهوی قائل شد، چون در غالب موارد، این ساختارها، دانش‌ها و البته شیوه‌ها،

یک علم با دیگر زمینه‌های علمی تلفیق شود، یادگیرندگان آن علم و دیگر موضوعات را به طور مؤثرتری می‌آموزند. بدین ترتیب، شایسته است که در فرایند یاددهی - یادگیری تلاش بر آن باشد که وقتی مطالعه و بررسی زمینه‌ای علمی مورد نظر است، موضوعات دیگر نیز در مطالعه گنجانده شوند [احمدی و نورآبادی، ۱۳۸۸]. اکنون نمی‌توان مثل گذشته رسالت تعلیم و تربیت را انتقال اطلاعات

داخل گودالی عمیق فرو می‌برد که سایر ابعاد، تماشاگر آن هستند. بنابراین، به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای فرد و جامعه، و رهایی از اثرات منفی رویکرد سنتی به برنامه‌ریزی درسی، باید به رویکردهایی در برنامه درسی روی آورد که به جای موضوعات کلی پرداخته شود؛ به گونه‌ای که این موضوعات در برگیرنده مسائل مهم و مورد نیاز فرد و جامعه باشند و هم‌زمان

عامل تحول در نظام برنامه‌های درسی

ممکن است ارزش‌ابزاری پیدا کنند. نگاهی تحلیلی به این تعاریف، دیدگاه و رویکردها، نشانگر آن است که دو عنصر ویژگی اصلی در اکثر تلفیق‌ها، قابل احصا و توصیف است؛ یکی از آن‌ها «جامع‌نگری» و دیگری «واقع‌نگری» است [خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۷].

ضرورت و اهمیت برنامه درسی تلفیقی

تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی

دانست و نمی‌توان دانش را از طریق حافظه، جاودانه کرد؛ چرا که نظام‌های رشته‌ای بیش از پیش رشد و گسترش می‌یابند و علوم، مجزا و بخش‌بخش می‌شوند. این امر سبب می‌شود که یادگیرنده به صورت تک بعدی رشد یابد، به سوی جزم‌اندیشی سوق داده شود و از واقعیات زندگی فاصله بگیرد. از آن‌جا که در دنیای واقعی، فرد یک بعدی نیست و ابعاد و نیازهای متفاوت دارد، رشد ناموزون یک بعد، فرد را

چند نظام رشته‌ای را در برگیرند؛ یعنی به یک موضوع مورد نیاز و مورد علاقه فرد و جامعه از دید علوم متفاوت نظر و پرداخته شود و به جای تأکید روی روش‌های سنتی، بر روش‌های تدریس و یادگیری نوین مثل رویکرد حل مسئله و پروژه که فراگیرندگان را با ابعاد گوناگون یک موضوع و مسئله پیچیده در هم تنیده مواجه می‌سازد، تأکید کند. هم‌چنین، پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی و بسیاری مهارت‌های



برای این که دانش سازمان یافته بتواند بر واقعیت منطبق شود و الگو و آینه‌ای گویا از آن باشد، برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی باید به تلفیق رشته‌ها و معارف بشری دست بزنند

فرایندی لازم برای آموزش مادام‌العمر، مورد ترغیب و تشویق قرار گیرد. تحقق چنین امری، تا حدی از طریق رویکرد تلفیقی میسر خواهد شد؛ چون در این رویکرد، آموزش بر محور مسائل و واقعیت‌های زندگی فردی و اجتماعی تنظیم می‌شود [یوسف‌زاده چوسری و استوار، ۱۳۸۲].

از دیگر عوامل بسترساز در ظهور و تولید برنامه درسی تلفیقی می‌توان به این موارد اشاره کرد: انسان با همه پیچیدگی‌هایش؛ طبیعت و ابعاد آن؛ تعدد و تکثر رهیافت‌ها، روش‌ها و ابعدی که می‌توان آن‌ها را با بررسی واقعیت‌های فیزیکی و انسانی مورد توجه قرار داد. رشد و پیشرفت در علوم که به انقسام موضوعی و روشی در علوم منجر شده است، باعث می‌شود که دانش سازمان یافته به شیوه سنتی، یا علوم متعارف نتوانند به خوبی بر واقعیت منطبق شوند و الگو و آینه‌ای گویا و شناسنده از آن باشند. بنابراین، برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی با در

نظر گرفتن این موضوع باید به تلفیق رشته‌ها و معارف بشری دست بزنند تا یافته‌های جدیدی را در عرصه علم و فناوری کسب کنند و برای یک سلسله مسائل

جدید، پاسخ‌هایی در خور بیابند [پیغامی، ۱۳۸۷]. به علاوه، نبودن ارتباط بین برنامه‌های درسی با زندگی واقعی و عینی که خود سبب ناتوانی در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی می‌شود، نداشتن انعطاف در برنامه زمان‌بندی

مدرسه که هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان مشکلاتی ایجاد می‌کند و پرورش نیافتن مهارت‌های فکری سطوح بالا در یادگیرندگان، تأکید بر استفاده از برنامه درسی تلفیقی را موجه‌تر می‌کنند. در تأیید این مطالب، پرکینز (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که یادگیری مؤثر به معنای یادگیری همراه با تفکر است که این یادگیری، با ایجاد ارتباط وسیع، غنی می‌شود. این امر به نوبه خود مستلزم بینش نو در کاربرد دانش و انعطاف‌پذیری آن است [احمدی، ۱۳۸۰]. در مجموع، رویکردهای تلفیقی در پی آن هستند که با ارائه سازمان‌دهی خاصی از آموزش، فرصت‌هایی را برای آشنایی یادگیرندگان با اصول، مبادی، روش‌ها و موضوعات متنوع در قلمروهای متعدد فراهم کنند و این البته به معنای نفی محاسن و فواید برنامه درسی موضوع‌محوری (یا برنامه‌درسی سنتی) نیست [پیغامی، ۱۳۸۷]. بدین ترتیب، جهت‌گیری تلفیقی در مطالعات علمی و در برنامه‌ریزی‌های درسی در آینده،

دیگر نه یک انتخاب، که اجبار و الزام خواهد بود؛ و این یعنی پر کردن شکاف‌های معرفتی بشر با پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور جوامع انسانی به شکل کارآمدتر و رضایت‌بخش‌تر [مهرمحمدی، ۱۳۸۸].

ویژگی‌های برنامه درسی تلفیقی

دوره‌ها، برنامه‌ها و کلاس‌های درس تلفیقی از ویژگی‌ها و خصوصیات برخوردارند که در غالب شرایط، در محیط‌های آموزشی و یادگیری قابل اعمال‌اند. عمده‌ترین زمینه‌های تلفیق در اجرای برنامه‌های درسی محیط‌های آموزشی به این قرار است:

- آموزش و یادگیری و برنامه‌ریزی گروهی برای آن.
- تلفیق اهداف، محتوا و فرایند در موضوعات متفاوت درسی.
- ترکیب محتوا و مهارت‌ها (ترکیب تئوری و عمل).
- توجه به کسب مهارت‌های اساسی مثل حل مسئله و تفکر انتقادی.
- استفاده از آموزش مشارکتی و تشکیل گروه‌های یادگیری.
- تقویت احساس مسئولیت یادگیرنده در فعالیت‌های آموزشی.
- پرورش خودرهبیری و خودآموزی در دانش‌آموزان.
- توجه به فرایند یاددهی-یادگیری تجربه‌محور، و انجام فعالیت‌ها و تمرین‌های میدانی.
- تدوین اصول سازمان‌دهی مشتمل بر موضوعات و مسائل مورد علاقه یادگیرندگان.
- انعطاف پذیر کردن برنامه‌ها.
- تبیین روابط میان عناوین و

موضوعات داخل و خارج کلاس درس برای یادگیرندگان.

- توجه به آموزش و یادگیری اکتشافی و پژوهش محوری.

- استفاده از روش‌های ایفای نقش و بازی در فرایند یاددهی-یادگیری.

- توجه به نقش معلم به عنوان تسهیل کننده نه انتقال دهنده اطلاعات.

- تحول آموزش و پرورش از نظام بسته به نظامی پویا، باز و انعطاف پذیر.

- به کارگیری شیوه‌های ارزشیابی جدید مانند سنجش عملکرد.

- ارزشیابی گروهی و استفاده از حلقه‌های بازخوردی.

- الزام همکاری هرچه بیشتر معلمان با یکدیگر در ایفای نقش

معلمی و مشارکت در برنامه‌ریزی فرایند یاددهی-یادگیری.

پیش‌نیازهای اجرای رویکرد تلفیقی

به طور کلی می‌توان پیش‌نیازهای اجرای رویکرد تلفیقی را به این شرح خلاصه کرد:

- آگاه کردن همه افراد ذینفع، دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، کارکنان، خانواده‌ها و افکار عمومی، از

طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و ... نسبت به ماهیت و ابعاد گوناگون

برنامه درسی تلفیقی.

- فراهم کردن فرصت‌هایی برای آگاهی معلمان از کار و اعمال یکدیگر،

از طریق برگزاری سمینارها، جلسات گفت‌وگو و تیم‌های کاری.

- توجه به موضوع تلفیق، هم در نظام طراحی و هم در نظام یاددهی-یادگیری.

- ایجاد تعامل میان سه منبع مهم

تعیین اهداف (فرد، جامعه و ساختار دانش) به گونه‌ای که هیچ یک رشد

ناموزون نداشته باشند.

- در نظر گرفتن اصل واقع‌بینی (عملی بودن).

- شروع کار با پروژه‌های گروهی (حول و حوش مسائل و مشکلات

مشخص و برجسته در جامعه) - محدود کردن حیطه تلفیق در

چند مقوله و موضوع خاص.

- طراحی و اجرای تلفیق به گونه‌ای که هدف با وسیله جابه‌جا

نشود؛ یعنی ادغام موضوعات در یکدیگر، ما را از اهداف نظام تعلیم و

تربیتی و مواد درسی دور نسازد.

- تغییر در جداول و ساعات درسی رایج، چون اجرای این رویکرد

به برنامه زمانی قابل انعطاف نیازمند است.

- تغییر شکل سازمان‌دهی فضای کلاس از حالت اتوکشیده رو به تخته،

به اشکال U و مانند آن.

- اصلاح برنامه‌های مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر، و پیش‌بینی

رشته‌های تحصیلی و واحدهای درسی مرتبط.

نتیجه

ساختار برنامه درسی پیشنهادی برای نظام آموزشی کشور در این مقاله، برنامه درسی تلفیقی است که از آن طریق و با بهره‌گیری از فناوری

اطلاعات، و تجارب زمینه‌ای و واقعی، می‌توان به یادگیری مادام‌العمر دست یافت. با استفاده از برنامه درسی تلفیقی در نظام آموزشی، واقعیت‌ها، نیازها و

تحولات جامعه و یادگیرندگان در نظر گرفته می‌شود و بر آن اساس، مطالب و محتوای دروس در قالبی منسجم و با معنی ارائه می‌گردد. بدین ترتیب،

خلاقیت و توانمندی انتقادی، در کنار سایر استعدادهای یادگیرندگان، شکوفا می‌شود. فارغ‌التحصیلان چنین برنامه‌ای، با استفاده از تجربه‌ها و

آموخته‌هایشان، قادر به حل مشکلات ملموس در محیط‌های بیرون از محیط آموزشی خود خواهند بود.

- ایجاد مدارس جامع با رویکرد تلفیقی

- طراحی فرصت‌های یادگیری در خارج از کلاس و فراتر از محتوای کتاب‌های درسی.

- کاهش تراکم دانش‌آموزی در کلاس، و به تعبیر دیگر نسبت

دانش‌آموز به معلم. چرا که باید فرصت بحث، تفکر و انتقال اطلاعات

به دانش‌آموزان داده شود.

- آشنا کردن معلمان با رویکردهای نوین تدریس از قبیل حل مسئله و

پروژه، از طریق شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت و مناسب ضمن خدمت.

- شناسایی و تهیه محتوای آموزش متناسب با نیازهای محلی و ملی با

استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های نیازسنجی. به تعبیر دیگر، تأکید بر

مسائل موردعلاقه و نیازهای منطقه‌ای و ملی.

- پیش‌بینی روش‌های مناسب ارزشیابی برای جلوگیری از هر

گونه کوتاهی و سستی، یا تعصب و سوگیری. (ارزشیابی فرایندمحور)

[یوسف‌زاده چوسری، استوار، ۱۳۸۲؛ و شمشیری، ۱۳۸۲].

منابع

۱. احمدی، پروین؛ (۱۳۸۰). طراحی الگوی برنامه درسی تلفیقی و مقایسه آن با برنامه‌های درسی موجود دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
۲. احمدی، پروین؛ نورآبادی، سولماز (۱۳۸۸). رویکرد تلفیقی، شیوه‌های اثربخش در آموزش علوم. چکیده مقالات همایش رویکردهای نوین یاددهی و یادگیری در آموزش علوم. ۲ دی. ماکو- ایران.
۳. پیغامی، عادل (۱۳۸۷). درآمدی بر طراحی برنامه‌های درسی با تأکید بر رویکردهای تلفیقی. دانشکده معارف و اقتصاد. دانشگاه امام صادق. [Http://www.isu.ac.ir](http://www.isu.ac.ir)
۴. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷). گفت‌وگو میان رشته‌های دانش. چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. شمشیری، بابک (۱۳۸۲). برنامه درسی پیش‌نیاز توسعه پایدار و همه‌جانبه در ایران. در کتاب رویکرد تلفیقی به برنامه درسی. به کوشش حسن ملکی. چاپ اول. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۶. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). ملاحظات اساسی در باب سیاست‌گذاری توسعه علوم میان‌رشته‌ای در آموزش عالی از منظر فرایندتکوین. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. سال اول. شماره ۳. ص ۱۸-۱.
۸. یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا؛ استوار، سیدعلی (۱۳۸۲). رویکرد تلفیقی، از تئوری تا عمل. در کتاب رویکرد تلفیقی به برنامه درسی. به کوشش حسن ملکی. چاپ اول. تهران: انجمن اولیا و مربیان.